

حقوق اقلیتهای مذهبی

دوائر تبلیغات ناروائی که رهبران کلیسا و سایر معاندین اسلام در طول تاریخ نمودارند، سوظنی در عده ای بوجود آمده که گویا اسلام دین زور و شمشیر است و بدین سبب نسبت به پیروان سایر ادیان تسامح و مدارا نداشته و روش خشونت آمیزی درباره آنها اعمال نموده است!

مبارائی روشن شدن ماهیت این گفته و اثبات اینکه آن، بیعت و افترائی بیش نیست قبل از آنکه سراغ شواهد تاریخی زنده برویم و اوضاع و احوال اقلیتهای مذهبی را در طول تاریخ حکومت اسلام مورد بررسی قرار دهیم. نخست تمالیم اولیه و قوانین اساسی این آئین مقدس را که روشنترین و مطمئنترین روش تحقیق و شناسائی است، مورد توجه قرار میدهیم:

هر چند که اسلام برای برقراری عدل و داد و عیار زنده با نظم و ستم و ریشه کن نمودن آنها و فرعونها و عناصر دروغ و تزویر که سد راه تکامل و صلاح و سعادت جامعه انسانی هستند، فرمان جهاد میدهد (و این حکم مقدسی است که فطرت با هر فرد اصلاح طلب و آزادشیکه بخواهد با حریت زندگی کند و از ظلم و تجاوز بدون بماند، از آن استقبال میکند) در عین حال با قائل بودن به اصل آزادی عقیده و پذیرفتن دین را از روی اجراه و احیاء صحیح ندانسته و قرآن مجید با بیانی قاطع و صریح در این باره میگوید: اجباری در پذیرفتن دین نیست زیرا راه رشد و هدایت از راه گمراهی و ضلالت جدا شده است (۱).

و در مقام تأکید همین حقیقت از زبان پیغمبر (ص) چنین میگوید:
روشناییها و دلائلی از طرف پروردگار بسوی شما آمده است، پس هر کس که در برابر این دلائل حق را ببیند بنبغ خویش دیده و هر کس که از دیدن حق

(۱) لا اكره فی الدین قد تبین الرشید من القی (سوره بقره آیه ۲۵۶)

دیده برشند بزبان خود عمل کرده و من مراقب
مسئول شمایم : (۱)

و در جای دیگر خاطر نشان میسازد که
مسئولیت اعراض گمراهان به عهده پیغمبر نیست (۲)

و در مورد دیگر خطاب به پیغمبر اکرم چنین
میفرماید : این قرآنها را تو نازل نکردی که
خود را به زحمت و مشقت بیاندازی ، بلکه آن
یاد آوری و تذکری است برای قلبهای آماده
و خاشع (۳)

دقت و بررسی در مضامین این نصوص و
نصوص فراوانی از این قبیل ما را آشکارا باین
حقیقت رهنمون است که استقلال و آزادی در عقیده
از نظر این آئین مقدس در مرحله بسیار قدیم و
شکفت انگیزی محترم شمرده شده و اسلام بدعت
یا تحمیل عقیده و قبول دین با اکراه مخالفت
کرده و ایمانی را که در اثر فشار ایجاد گردد
برسمیت نشناخته و آنرا بیفایده دانسته است .

اسلام تأکید مینماید که هیچ فردی نمیتواند
در اعتقاد و ایمان دیگری اعمال دور و اظهار
تخل کند و تنها ذات عنبره پروردگار است که
حساب بندگان در سیرگی مینماید .

هر چند که بعضی صریح آیات متعدد قرآنی (۴)
بایبود و تساری و سایر کفار نباید پهنه قلبی و

پیمان برادری و محبت بست ولی این بدان معنا
نیست که با اقلیتهای مذهبی که تحت حمایت
حکومت اسلامی قرار گرفته اند باید با کینه و
دشمنی رفتار کرد بلکه آن عده از افراد غیر
مسلمانی که در کشور اسلامی محل اقامت یافته اند
و شرائط قهراً ملتزم هستند ، در حفظ و حمایت
مسلمانان زیسته و جان و مال و آبرو و همه چیز
آنها محفوظ است و حقوق آنها با کمال عدالت
رعایت میگردد و در این مورد از مهم ترین و لطائف
مسلمین اینست که با آنان آزادی دهند تا بتوانند
بطرف مخصوص دین خود در معبدشان به عبادت
بپردازند و شعارشان را بپادارند و در این باره
تا آنجا پیش رفته است که اگر پدر و مساجدی
مشرف باشند و فرزندانشان اسلام آورند و آنها
بخواهند اولادشان را ملزم بپا گذاشت اسلام کنند
مطابق آیات قرآن مجید باید فرزندان درین
خودداری از قبول آئین باطل آنها . با استیجاب
بسانیم زبانی سخن گویند و مؤدبانه رفتار
کنند . (۵)

۵۵۵

اکنون برای اینکه گوشه آوران و روح تسامح
و مدارا و صلح طلبی و عدالت خواهی اسلام را
در بایم و نیز بمتفردیک برات و در کمال از

(۱) قد جاءکم بشارت من ربکم فمن اصر فلنفسه ومن عمی فلعلیها و ما لنا علیکم بحقیقۃ

سوره انفعا آیة ۱۰۴

(۲) فان اعرضوا فما ارسلناک علیهم حقیقاً - سوره شوری آیة ۴۸

(۳) .. ما نزلنا علیک القرآن لتثقی . الا بذکره لمن یرضی سوره انفعا آیة ۳-۴

(۴) سوره مائده آیة ۵۱ - ۵۷ - سوره متحنه آیة ۱ - سوره فتح آیة ۲۹

(۵) وان جاءک علی ان تشرک بی مالیک فاعلم انک تعلم ما و ما یعلمها من الدنیا
معمولاً - سوره لقمان آیة ۱۴

خط مشی اسلام در روابط با اقلیتهای مذهبی ،
موادی چند از منشور ۱۷ ماده ای بنیادگذار
این آئین مقدس را بر میشمیریم و سپس امان نامه
آنحضرت را به اسقف «والعادت» نقل
مینماییم .

قسمتی از منشور ۱۷ ماده ای :

بسم الله الرحمن الرحیم : نظر باینکه خدا
بزرگه است و حکومت بدست اوست و همه
پیغمبران از جانب او آمده اند ، همچنین همه
پیامبر خدا و سر پرست همه جهانیان این منشور
را بتمام مردم که همکیش او هستند نوشته است تا
بدین وسیله تضمین و وسیله قاطعی باشد در حق
ملت مسیح و اقوام نسطوری :

۱- هر وقت هر يك از زعماء و صومعه نشینان
بمن سفرت در کره هستانی یا تپهای یاد کرده
ای و یا در بحر شمله قابل سکنا ی دیگر بخواهند
سکونت کنند... من در میان آنها خواهم بود و
در حکم نگاهبان و حامی آنها و کسالی آنها و
و دارائی آنها با روح خود کمک خود ، با تفاق
همه مسکینان خود ، زیرا آنها قسمتی از ملت
خودم و افتخار من هستند

۲- هیچکس نباید قضاات یا حکامان را
تنبیه بدهد بلکه بدون اینکه مورد تعرض کسی
واقع شوند باید در مقام خود بمانند

۳- هیچکس حق ندارد آنها را اذیتان

کلیساهای خود محروم سازد

۴- هیچکس نباید از مرمت کردن کلیساهایشان
منافست کند

۵- اگر زن مسیحی بازدواج مرد مسلمان
در آید شوهر نباید او را از کلیسای رفتن و نماز یا
دعا خواندن منع نماید (۱)

۶- مسیحیانیکه در حال سکونت هستند و
از ثروت و داد و ستدشان میتوانند مالیات سر
شماری بدهند بیشتر از ۱۳ درم نباید بدهند .

۷- اما آنها یکنیکه در کو هستانها منزوی
هستند نه مالیات سر شماری خواهند داد و نه از
در آمدشان سایر عوارض را میسر دارند و هیچ فرد
مسلمانی در آنچه دارند نباید مداخله کند زیرا
آنها کاری را که انجام میدهند برای همیشه
خودشان است .

۸- ب موجب این نوشته دستور میدهم که
هر چیک از افراد ملت من نباید تا آخر دنیا بر
خلاف این میثاق عمل کند ،
شهود : علی بن ابیطالب ۱۰۹ نفر دیگر (۲)
امان نامه :

بسم الله الرحمن الرحیم
از محمد نبی باسقف «والعادت» و اسقفها و کاهنان
و راهبانان و همه... در دستان کم و زیاد آنان که همگی
در حواری خدا و رسولند :

هیچ اسقف و راهب و کاهنی از کار خود بر
گذار نخواهد شد و هیچ حقی از حقوق و نه سلطنت
آنان و نه وضعی که تا بحال داشته اند تغییر نخواهد
کرد و همگی بطور همیشگی در حواری خدا و
رسول او خواهند بود بشرط آنکه بر اهل ابراه و
خیر خواهی بروند و بظلم دست نیالیند و ستم
پیشه نشوند ، بخت مغیره بن شعبه (۳)

(۱) در مذهب حقه شیعه بنا بر مشور بازمان پیبود و تساری به مقدام نمیتوان ازدواج کرد
ولی با عقد انقضایی جایز است ،

(۲) سایر روحیات شرق و غرب س ۱۲۲ - ۱۱۹ ، جلوه مسیح س ۱۳۲ - ۱۳۵ .

(۳) الابدایة و النهایة ج ۵ ص ۵۵ - محمد و زمامداران س ۲۹۴ - جلوه مسیح ۱۳۶ .